

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در جلسه قبل سیاق بیستم آیات ۱۲۲ و ۱۲۳ عرض کردم که یادآوری نعمت تفضیل به بنی اسرائیل در راستای دعوت شان به تقوا درباره قیامت بود، فرمود: بنی اسرائیل به یاد بیاورید که شما را بر جهانیان برتری بخشیدیم و درباره قیامت تقوا پیشه کنید و در واقع سیاق بیستم، به یک نحوی یک دور از مباحثی را که مسئله اصلی آن یهود و نصارا بودند، مسئله اصلی آن بنی اسرائیل بودند، پایان داد، یک فرود نسبی را ما در سیاق بیستم دیدیم، اما سیاق بیست و یکم باز به یک نحوی سرآغاز فصل نوینی است از مباحث سوره مبارکه فسطاط، که اینجا درست است باز هم رد پای بنی اسرائیل دیده خواهد شد، ولی دیگر بحث اصلی بحث‌های اثباتی است، گویا تا الان سلبی بود و خدا می‌خواست بگوید که تاریخ انقضای بنی اسرائیل به عنوان یک امت رسید، اگر بنی اسرائیل بخواهند آن عظمت خودشان را حفظ کنند، باید بیایند به امت مسلمان ملحق بشوند. بحث‌های اول ما در این فصل پیش رو بحث‌های مربوط به قبله است، بعد بحث‌های مربوط به حج بعد بحث‌های مربوط به قصاص و قتال است، از این به بعد شاهد بحث‌های اثباتی شکل دادن امت مسلمان هستیم، سیاق ۲۱، از آیه ۱۲۴ شروع می‌شود با جریان حضرت ابراهیم(ع) تا ۱۲۹ ادامه پیدا می‌کند، چهار تا اذ، چهار تا یادآوری است، این چهار تا اذ، مربوط به ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام است.

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴)»

اولین یادآوری این است که خدا ابراهیم علیه السلام را به یک حقایقی آزمود، ابراهیم علیه السلام هم از عهده این آزمایش‌ها و امتحانات برآمد، «فَأَتَمَّهُنَّ» وقتی آن آزمایشها انجام شد و ابراهیم علیه السلام از این آزمایشها پیروز بیرون آمد، آن موقع خدا یک مطلبی را به او فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» من تو را برای مردم امام قرار می‌دهم، جعل الهی برای ابراهیم علیه السلام مقام امامت است، ما در دور اول عرض کردیم معلوم است که وقتی خدا ابراهیم علیه السلام را می‌خواهد امام قرار بدهد، چون ایشان سرسلسله امامت است، نمی‌خواهم بگویم قبل از ایشان امامی نبوده است، بحث این نیست، اما ابراهیم گویا در مسئله امامت یک نقطه عطف است، یعنی آن معنای امامت درباره ابراهیم علیه السلام معنای ویژه‌ایست که تا قبل از آن ای بسا امامت به این معنای اتم و اکمل نبوده. اگر هم بوده دیگر قرآن کریم از آن صحبتی ندارد؛ یک امامت اتم و اکملی که با یک ابتلای الهی؛ انواع ابتلاات برای ابراهیم علیه السلام اتفاق افتاد، ابتلاات بسیار بسیار ویژه، از جمله مسئله اسماعیل(ع)، و در نهایت خدا فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» من شدم جاعل تو برای مردم امام را. عطف کنید این مطلب را به اینکه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» یک بار خدا خودش را در این سوره جاعل معرفی کرده بوده، جاعل خلیفه؛ حالا می‌فرماید جاعل امام، این مقام امامت از مقام خلافت بالاتر است. آن چهره تکامل یافته مقام خلافت خدا، خلافت خدا شاید در تمام انبیاء الهی هر کدام در زمان خودشان خلیفه‌الله هستند، اما آن مسئله امامت را خدا برای ابراهیم(ع) اینجا پیش می‌کشد.

«قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» ابراهیم علیه السلام گفت آیا از فرزندانم، ببینید اول چیزی که ابراهیم(ع) مطرح می‌کند در پاسخ به «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» تقاضای تداوم این رشته امامت در نسل اوست. یعنی می‌خواهد شجره طیبه امامت درست بشود، نه صرف اینکه من امام شدم، خب حالا من امام شدم آیا من ریشه و اصل و اساس شجره طیبه امامت خواهم بود که خیالم راحت باشد که امامان بعدی در ذریه من و در نسل من خواهند بود، بحثی که ما در تدبر حدیث شریف غدیر زیاد روی آن مانور دادیم، خدا هم نفرمود بله ما باید تک تک آنها را ابتلاء به کلمات بکنیم بعد تمام آن مراحل طی کردی آنها هم باید طی کنند تا آنها هم برسند به امامت! خدا فرمود: «لَأَيُّهَا عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴)» این جواب خدا فقط یک قید گذاشت، یعنی در حقیقت خدا به ابراهیم(ع) فرمود: بله از ذریه تو امامان خواهند بود ولی مشروط به یک چیزی، که جزء ظالمان نباشند. اگر کسی در ذریه تو باشد ولی جزء ظالمان باشد اندک ظلمی هم قرار باشد در پرونده او ثبت باشد امامت به او نمی‌رسد. یعنی هم خدا فرمود بله و هم قیدش را مطرح فرمود. پس اینجا ابراهیم علیه السلام به عنوان سر سلسله امامت و به عنوان اصل و اساس و ریشه شجره طیبه امامت معرفی شد.

خداوند امام را در «اذ» قبل معرفی فرموده، در «اذ» دوم خانه امام را مشخص می‌کند. امامت پایگاه دارد، و پایگاه امامت بیت الله الحرام است، امامت توحیدی است. این امامت بر مبنای توحید است، امامتی است که امتی را به سوی خدا جهت بدهد، لذا شما تعبیر را ببینید: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَآتَجِدُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» درست در همان جایگاهی که ابراهیم ایستاد و اقتدا کرد به خانه خدا، رو کرد به خانه خدا؛ همه باید از مقام ابراهیم مصلی اتخاذ بکنید و به حقیقت توحید توجه بکنید. و بعد خدا ابراهیم(ع) و اسماعیل را، که حالا چرا اینجا خدا اسم اسماعیل را پیش می‌کشد؟ برای اینکه این امت جدید بناست از فرزندان اسماعیل علیه السلام باشند، شاخه اسحاقی از ابراهیم علیه السلام: امت بنی اسرائیل، اسحاق، یعقوب، فرزندان یعقوب علیه اسلام بنی اسرائیل است. اما این شاخه اسماعیلی ابراهیم علیه السلام است که الان دارد این شاخه فعال می‌شود، امامتی که تابحال در نسل ابراهیم تداوم یافت، در شاخه اسحاقی‌اش تداوم یافت: اسحاق، یعقوب، یوسف... تا حضرت موسی علیه السلام و بعد حضرت عیسی علیه السلام این یک شاخه‌ای از این شجره طیبه بود، حالا دیگر از اینجا به بعد مثل اینکه از اصل و اساس آن شجره طیبه شاخه‌ای دیگر می‌روید و آن امامت ابراهیمی از نسل اسماعیل(ع) است. «وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ» به عنوان امامان کارتان این است: «أَنْ طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۱۲۵)» این خانه را که پایگاه امامت توحیدی شماست تطهیر کنید برای طائفان و عاکفان و راکعان و ساجدان، یعنی امتی را باید به سوی خدا جهت بدهید، به سمت خدا هدایت کنید. امامت توحیدی. این هم یادآوری دوم.

یادآوری سوم این است که امام درست است و پایگاه امامت توحیدی او هم مشخص است، یک حمایتی از جانب خدا نسبت به این شجره‌ای که بناست شکل بگیرد، این شاخه‌ای که در این شجره قرار است اینجا بروید، به دعای ابراهیم علیه السلام است، و آن یک حمایت امنیتی اقتصادی است.

«وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» ابراهیم(ع) از خدا تقاضا داشت امنیت می‌خواهم برای این شهری که پایگاه امامت توحیدی ماست و رزق و روزی فراوان می‌خواهم برای این شهر، عرضه داشت برای مومنان این شهر می‌خواهم، خدا فرمود اما نه من سیره‌ام در مسئله رزق اختصاص به

مومنان نیست: «قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأَمَّتْهُ قَلِيلًا». خب راجع به «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» خدا چیزی نفرمود چون مطلق قبول کرد، باشد «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» چشم، اما «وَأَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» اینجا یک قیدی خدا زد: «وَمَنْ كَفَرَ فَأَمَّتْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۲۶)» یعنی خدا اعلان حمایت امنیتی و اقتصادی از شهری کرد که بناست پایتخت حکومت توحیدی ابراهیم علیه السلام و آن شجره طیبه امامت از اولاد ابراهیم(ع) باشد. خانه‌ای که بی‌صبرانه انتظار می‌کشیم امام زمان ما به این خانه تکیه کند و ظهور خود را خبر بدهد و یاران خود را بخواند و آرزو می‌کنیم جزء یاران آن حضرت باشیم در آن روز. و به این هم باید برای ما یک توجهی داده شود، خیلی به سادگی گذشتیم، به سادگی کوتاه آمدیم از تسلط ناهلان بر این خانه مقدس و بر این شهر مقدس، این شهر مقدس در آرمان غلبه حق بر باطل پایتخت کشور یکپارچه جهان به امامت امام زمان علیه اسلام خواهد بود، باید خیلی جدی بگیریم، ما باید به این سمت قدم برداریم که الحمدلله در این راستا جبهه مقاومت قدم‌های خوبی برمی‌دارد هرچند امید به تقویتش داریم، از خدای بزرگ می‌خواهیم فقدان شخصیت متعالی سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی را با یارانشان و با رزمندگانی که در رکابشان بودند به طور کامل ان شاءالله جبران کند.

«وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ»، «رَبَّنَا»، «رَبَّنَا»، «رَبَّنَا»، درواقع این یادآوری به دعاهایی است که ابراهیم و اسماعیل علیه السلام داشتند، دعای اول این بود: که خدایا از ما قبول کن اینکه ما دیوارهای خانه کعبه را بلند کردیم. دعای دوم این بود: خدایا ما را مسلم قرار بده و از ذریه ما امت مسلمان قرار بده، «وَأَرْزُقْنَا مَنَّا سَكَنًا وَتُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۲۸)» و دعای سوم این بود: در بین آن امت رسولی از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آنها تلاوت کند، کتاب و حکمت را به آنها بیاموزد و آنها را پاکیزه گرداند. ببینید دعاهایی که اینجا مطرح می‌شود آن «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۲۷)» یک دعای کلی است خدا قبول بفرما! این بستر قرار می‌گیرد برای دو دعای کلیدی، دعای کلیدی اول این است که خدایا خوبان مسلمان و از ذریه ما، چه کسانی می‌گویند از ذریه ما؟ حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام، پس اینجا آن ذریه اسماعیلی ابراهیم علیه السلام است، از ذریه ما امتی مسلمان قرار بده! یعنی اصلاً خدا می‌خواهد بفرماید: از همان اول، از همان زمانی که ابراهیم و اسماعیل علیه السلام پایه‌های خانه کعبه را بلند کردند از همان موقع می‌خواستند که در فرزندان اسماعیل هم این شجره طیبه ادامه پیدا کند، ابراهیم علیه السلام آن زمان اسحاق علیه السلام را داشت و در جریان بود که در آن شاخه آن شجره ادامه خواهد یافت، اینجا هم از خدا تقاضا کرد، خدایا من با اسماعیل پایه‌های این خانه را بلند کردیم و از تو می‌خواهیم ما مسلمان باشیم و از ذریه ما دوتا یعنی فرزندان اسماعیلی من امتی مسلمان باشند، و مناسک ما را به ما نشان بدهی، این امت بشود همان امتی که امروز در عهد پیامبر اکرم این امت ظهور و بروز یافته و بنی اسرائیل، تحمل نمی‌کنند. بعضی از فرزندان ناهلی که در شاخه بنی اسرائیلی حضرت ابراهیم علیه السلام، هستند همان ظالمین آنها تحمل این را ندارند که بعد از گذشت سالیانی حالا این شاخه دیگر از شجره طیبه امامت ابراهیم علیه السلام فعال شده و می‌روید می‌خواهد ثمر بدهد و می‌خواهد رشد کند و همه باید به این ملحق شوند، اینها نمی‌خواهند تحمل کنند. دومین دعای کلیدی چیست؟ این است: امت مسلمان قرار بده بله ولی «وَأَنْبِئْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» یک پیامبری؛ ببینید «رَسُولًا» یعنی در این شاخه فقط یک رسول خواهد بود، در حالی که در شاخه بنی اسرائیلی رسول‌های متعددی بود، حضرت اسحاق، حضرت یعقوب، حضرت یوسف، پیامبران بعد از حضرت یوسف(ع)، تا برسد به حضرت موسی و بعد به حضرت عیسی؛ رسل الهی در آن شاخه فراوان هستند، اما در این شاخه خودشان

همان روز می‌دانستند: «وَأَبْعَثُ فِيهِمْ رَسُولًا»، پس یک خلیفه، یک امام، یک رسول، الان معنای خلافت و امامت و رسالت همه در پیامبر اکرم متجلی است، خدایا در بین اینها مبعوث کن پیامبری از خودشان که آن پیامبر بشود تالی کتاب تو بر آنها، معلم کتاب و حکمت، مزکی و مربی آنها بشود، «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» همانا تو عزیز حکیم هستی.

یادآوری اول: امامت توحیدی ابراهیم علیه السلام به عنوان سرسلسله امامت، به عنوان اصل و اساس شجره طیبه امامت، ابراهیم علیه السلام، امامت توحیدی.

یادآوری دوم: پایگاه امامت توحیدی یعنی بیت الله الحرام، پایگاهی که با ابراهیم و اسماعیل و تعهد آنها آباد شد، بنا شد.

یادآوری سوم: حمایت الهی از شهری که این پایگاه در آن شهر واقع شده، یعنی شهر مکه.

یادآوری چهارم: دعاهاى ابراهیم و اسماعیل علیه السلام که دو دعای کلیدی دارد: ۱- امتی مسلمان از شاخه اسماعیلی ابراهیم علیه السلام پدید آید. ۲- رسولی در این امت مبعوث شود که تالی آیات الله باشد، معلم کتاب الله باشد و مزگی آن امت باشد. حقیقتی که با بعثت پیامبر گرامی اسلام امروز در عهد قرآن و عهد اسلام آن دعا مستجاب شد.

لذا امروز آن بنی اسرائیلی که بی احترامی می‌کنند، بی توجهی می‌کنند به پیامبر اکرم و به حقیقت اسلام در حقیقت دارند به همان ابراهیم(ع) که خودشان یکی از شاخه‌های او بودند ظلم می‌کنند.

جمع بندی سیاق: از امامت توحیدی ابراهیم(ع) تا شکل‌گیری امت مسلمان و بعثت رسول اکرم.

از امامت توحیدی ابراهیم علیه السلام: دوتا «اذ» اول است، ۱- «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»، ۲- «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» این دوتا با هم شد امامت توحیدی ابراهیم علیه السلام.

شکل‌گیری امت مسلمان و بعثت رسول اکرم: «اذ» چهارم است که دو دعای کلیدی مطرح شد، ابراهیم عرضه داشت به خدا، خدایا امتی مسلمان می‌خواهم از شاخه اسماعیلی خودم، و رسولی می‌خواهم در بین آنها مبعوث شود که آیات تو را بخواند، معلم کتاب و حکمت باشد بر آنها و مزگی آنها باشد.

«اذ» سوم که حمایت خدا از شهر مکه است به دعای ابراهیم علیه السلام را در عنوان اصلی نیاوردیم چون ذیل «اذ» دوم ارزیابی کردیم.

چهار عنوان فرعی ذیل آن گذاشتیم:

۱- یادآوری اول: امامت ابراهیم علیه السلام و ذریه غیر ظالم او به جعل الهی.

۲- یادآوری دوم: لزوم اقتدا به ابراهیم علیه السلام در قالب نماز و با محوریت خانه خدا.

۳- یادآوری سوم: دعای مستجاب ابراهیم علیه السلام برای امنیت و رزق شهر خانه خدا.

۴- یادآوری چهارم: دعای مستجاب ابراهیم و اسماعیل (ع) برای شکل‌گیری امت مسلمان و بعثت رسول اکرم.

ببینید این سیاق می‌شود پایه اثباتی شکل‌گیری امت مسلمان. یعنی این امت جدیدی که دارد در جهان شکل می‌گیرد و قرار است این امت، امت وسط و امت معیار و امت ممتاز باشد، این امتی است که به دعای ابراهیم (ع) و همراه اسماعیل (ع) برای شکل‌گیری امتی در نسل اسماعیلی ابراهیم (ع) این امت امروز تبلور یافته، و به دعای آنها در بین این امت پیامبری مبعوث شده، این پیامبر جانشین ابراهیم است و محور شکل‌گیری این امت توحیدی است که قرار است اقتداء به آن فرهنگ توحیدی ابراهیم (ع) داشته باشند و کانون توجه توحیدی این امت بیت الله الحرام است. لذا این آیات از یک سو پایه و اصل و اساس شکل‌گیری امت مسلمان را مطرح می‌کنند و از سوی دیگر یک مقدمه‌ای می‌سازند برای مباحث مربوط به تغییر قبله. البته مباحث مربوط به تغییر قبله یک بخشی از آن در فصل قبلی بود، آنجا تلاشی که یهود و نصاری کردند تا شبهه ایجاد کنند تا مسلمین همراهی با پیامبر اکرم نکنند، ولی آنجا اسم قبله و خانه خدا و غیره نیامد، آنجا از آن جهت سلبی مورد بحث بود، اما از اینجا به بعد دیگر کاملاً این مسئله به شکل اثباتی و روشن جلو می‌رود.

سرسلسله این سیاق «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» است، «وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ» امت در ذریه، امام در ذریه نمی‌خواهد؟ اصلاً همان اول ابراهیم علیه السلام عرضه داشته بود که خدایا «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»! اصلاً دنبال این بود که در ذریه او امامت باشد؛ حالا که اینجا می‌گوید در شاخه اسماعیلی من امت درست کن پس آن کسی که در این امت قرار است مبعوث شود حتماً امام هست، بخاطر آن «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» و بخاطر این «وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا»، بخاطر کلمه امام در آنجا و امت در اینجا. حالا علاوه بر اینکه امام است ایشان رسول هم باشد: «وَأَبْعَثُ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ» این رسول بودن یعنی یک بار دیگر حقیقت کامل شریعت، چون «رَسُولًا» هم آمده، مفرد است خودش اشاره به خاتمیت دارد، یعنی یکی است و برای همیشه، دیگر قرار نیست این بشود دوتا رسول، سه تا رسول، پنج تا رسول، یک رسول در این امت خواهد بود. لذا این اشاره به خاتمیت هم می‌کند. رسولی مبعوث بشود که آیات تو را بخواند، کتاب و حکمت را به بیان مطلق آموزش بدهد. این تعبیر «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» با توجه به اطلاقاتی که دارد فقط بر پیامبر اکرم تطبیق می‌کند در قرآن، یعنی درست است انسان احساس می‌کند یک مقامی است که همه انبیاء دارند اما هیچ پیامبری به اطلاق پیامبر ما معلم کتاب و حکمت و مزکی و تالی آیات الله نیست. لذا اگر کسی به اشارات این آیه دقت کند ظهور در مسئله خاتمیت را و کامل بودن دین اسلام و اینکه کمال دین در اینجا تحقق می‌یابد در آن است. لذا ببینید بعد از پیامبر اکرم امامت همچنان تداوم دارد اما رسالت نه! یعنی علی علیه السلام و فرزندان معصوم از صلب علی علیه السلام اینها همه امامان بر حق هستند تا امام زمان علیه السلام، تا ابد زمین از امام خالی نمی‌شود و این امامان فرزندان ابراهیم علیه السلام از شاخه اسماعیلی او خواهند بود، اما رسول یک نفر بیشتر نیست، وجود نازنین پیامبر اکرم حضرت ختمی مرتبت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آل و سلم است.